

Active ۳ Unit ۱		Chapter ۱-۲	۳۳	Facilities	امکانات
۱	Intensifies	افزایش یافتن، تشدید کردن	۳۴	fountain	فواره
۲	Humid	نمناک	۳۵	Café	کافه، رستوران
۳	Dramatic	مهیج	۳۶	Pour	ریزش
۴	Display	نمایش	۳۷	Patio	حیاط خلوت
۵	Thunder	تندر، آسمان غرش	۳۸	Definite	صریح، روشن
۶	Sweep	روبیدن، جارو کردن	۳۹	Allure	طمع
۶	Entire	تمام	۴۰	Coast	ساحل
۷	Flood	سیلاب	۴۱	Exotic	عجیب
۸	Monsoon	باد موسمی، موسم بارندگی	۴۲	Delightful	لذت بخش
۹	Joyful	شاد	۴۳	Operator	متصدی، گرداننده
۱۰	Tend	Often of اغلب	۴۴	Indicate	نشان دادن
۱۱	Agreed-upon	agreed on	۴۵	Breezy	نسیم دار، خنک
۱۲	Appropriate	مناسب	۴۶	Obtainable	قابل حصول، به دست آوردنی
۱۳	Accessible	در دسترس، دست یافتنی	۴۷	Repulsion	دفع، عدم پذیرش
۱۴	Countryside	حومه شهر	۴۸	Outpost	پایگاه نظامی مرزی
۱۵	Challenge	رقابت، به مبارزه طلبیدن	۴۹	Territory	قلمرو، سرزمین
۱۶	Various	گوناگون	۵۰	Equipment	تجهیزات
۱۷	Former	پیشین، قبلی	۵۱	Fixture	لوازم ثابت و نصب شده
۱۸	Colony	مستعمره	۵۲	Foodstuff	ماده غذایی، خواربار
۱۹	Off-season	دوران کساد، دوران کم کاری	۵۳	Damp	نم، مرطوب
۲۰	Lush	انبوه	۵۴	Muggy	گرم، مرطوب
۲۱	Waterfall	آبشار	۵۵	Brisk	تند و تیز، خنک
۲۲	Landscape	منظره	۵۶	Modify	تغییر دادن
۲۳	Island	جزیره	۵۷	Strengthen	نیرومند کردن، تقویت کردن
۲۴	Sanctuary	منطقه حفاظتی و بی خطر	۵۸	Build up	نیرومند کردن، تقویت کردن
۲۵	Feature	ویژگی، خصیصه	۵۹	Off-peak	دوران کساد و رکود
۲۶	Procession	اجتماع، حرکت دسته جمعی	۶۰	Slow period	دوران کاهش
۲۷	Promoter	مبلغ	۶۱	Offspring	نسل، فرزندان، زاد و ولد
۲۸	Splash	صدای چکه	۶۲	Parade	رژه، راهپیمایی
۲۹	Magic	سحرآمیز	۶۳	Marcher	رژه، راهپیمایی
۳۰	Leaves	جمع leaf: برگ تازه	۶۴	Invasion	هجوم، حمله
۳۱	Resort	پناهگاه	۶۵	Refuge	پناهگاه
۳۲	Rain-soak	باران خیز	۶۶	preserve	منطقه حفاظت شده

۶۷	Pill	قرص	۱۰۱	Precaution	احتیاط
۶۸	Significantly	قابل توجه، چشمگیر	۱۰۲	Conservative	محافظه کار
۶۹	Offbeat	غیر معمول، ناهماهنگ	۱۰۳	Trouser	شلوار
۷۰	Offhand	بدون مقدمه، غیر عادی	۱۰۴	Varies	تغییر دادن
۷۱	Off-key	موسیقی ناموزون	۱۰۵	Tear	پاره کردن، اشک
۷۲	Off-kilter	نا متوازن	۱۰۶	considered	روی هم رفته، با دقت بررسی کردن
۷۳	Off-line	قطع ارتباط، آفلاین شدن	۱۰۷	Tolerant	مدارا، شکیبایی
۷۴	Off-limits	منطقه ممنوعه	۱۰۸	Critical	منتقد، نقد کردن چیزی
۷۵	Off-road	منطقه بدون خطوط جاده ای، صعب العبور	۱۰۹	Annoyance	رنجیدن
۷۶	Off-ramp	خروجی آزاد راه	۱۱۰	Deserving	شایسته، مستحق، سزاوار
۷۷	Offshore	دور از ساحل	۱۱۱	Cautious	هوشیار، مواظب
۷۸	Offscreen	خارج از کادر	۱۱۲	Thankfulness	تشکر، سپاسگذاری
۷۹	Arrogant	متکبر، خودبین	۱۱۳	distant	دور
۸۰	Supply	منبع	۱۱۴	bear	تحمل کردن
۸۱	Drill	مته زدن	۱۱۵	Conservative	محافظه کار
۸۲	Exhausted	خسته، وامانده	۱۱۶	Thanks to	Because of
۸۳	Taboo	حرام کردن، منع کردن	Review unit ۱ page ۴۸		Ecotourism
۸۴	Dining	غذا خوردن	۱	Ecotourism	اردوی جهادی طبیعت
۸۵	Punctual	خوش قول، به موقع	۲	Combination	ترکیب
۸۶	Affection	علاقه	۳	Ecology	بوم شناسی
۸۷	Convenience	آسودگی، (در جمع) تسهیلات	۴	Conserve	نگهداری کردن، محفوظ داشتن از صدمه
۸۸	Far-off locales	دور از منطقه و تحت پوشش	۵	Profit	منفعت، سود
۸۹	Adapt	وفق دادن	۶	Benefit	مفید بودن
۹۰	Insult	توهین کردن، بی احترامی کردن	۷	Ecosystem	طبیعت موجودات زنده آن
۹۱	Offend	رنجانیدن، ناراحت کردن	۸	Independent	توسعه یافته، مستقل
۹۲	Verbally	شفاهاً، با گفتگو	۹	Worth	آزش، بها
۹۳	Offensive	مهاجم، متجاوز	۱۰	Largely	وسیع، جادار، پهن
۹۴	Point out	نشان دادن	۱۱	Nonetheless	بااین وجود، با اینحال
۹۵	Palm	کف دست	۱۲	Due to	به خاطر
۹۶	Flat	تخت، مسطح	۱۳	Impact	تاثیر
۹۷	Upward	رو به بالا، روبه ترقی	۱۴	Totally	کاملاً
۹۸	Outstretch	گسترش دادن، توسعه دادن	۱۵	Logging	قطع درختان
۹۹	Gratitude	قدردانی، سپاسگذاری	۱۶	Noticeable	قابل توجه
۱۰۰	Scared	سیمای ترسان، ترسیده	۱۷	Constant	ثابت، پایدار

۱۸	Feed on	خوردن غذا	۲۲	Illogical	غیر منطقی
۱۹	Furthermore	بعلاوه، گذشته از این	۲۳	Illustration	تصویر
۲۰	Rarest	نادرترین، کمیاب ترین	۲۴	Immature	نابالغ
۲۱	Seek	جستجو کردن	۲۵	Inseparable	جدانشدنی
۲۲	Pressuring	فشار آوردن	۲۶	Irresponsible	وظیفه شناس
۲۳	Delicate	لطیف، ظریف، نازک	۲۷	Import	واردات
۲۴	Abuses	سوء استفاده کردن	۲۸	Illiterate	بی سواد
۲۵	Corruption	انحراف، فساد	۲۹	Ingredient	جزء، عناصر
۲۶	Undisturbed	مختل نشده، دست نخورده	۳۰	Irrational	غیر عقلانی
۲۷	Pure	پاک، تمیز	۳۱	Illuminate	روشن ساختن، توضیح دادن
۲۸	Unrealistic	خیالی، تصویری، وهمی	۳۲	Irrigate	آبیاری کردن
۲۹	Maintained	نگه داشتن، ادامه دادن	۳۳	Incurable	علاج ناپذیر، بهبود ناپذیر
Unit ۴ chapter ۱ p۵۸		What does a million dollars buy?	۳۴	Impatient	بی صبر
۱	Demand	تقاضا کردن	۳۵	implanting	کاشتن
۲	Soared	بالا رفتن	۳۶	Functionally	عهده دار، وظیفه ی
۳	Dense	انبوه، متراکم	۳۷	Artificial	مصنوعی
۴	Approximately	تقریباً	۳۸	Cost of Living	هزینه زندگی
۵	Property	املاک، اموال	۳۹	tolerate	مدارا کردن، صبر کردن
۶	Risen	ترقی کردن، صعود کردن	۴۰	fundamental	بنیادی، اساسی، اصلی
۷	Dramatically	شگفت انگیز، نمایشی	Unit ۵ chapter ۱ p ۷۰		Wedding customs
۸	Suburb	حومه شهر	۱	Bride and groom	عروس و داماد
۹	Overcrowding	بیش از حد شلوغ	۲	Proposes	پیشنهاد دادن
۱۰	District	ناحیه، بخش، حوزه	۳	Capture	دستگیری، گرفتن
۱۱	Indoor	خانگی، داخلی	۴	Gown	جامه ی بلند زنانه، لباس عروس
۱۲	Inflation	تورم	۵	Tie the Knot	ازدواج کردن
۱۳	desert	بیابان	۶	Kick the bucket	فوت کردن، مردن
۱۴	Calculation	محاسبه، برآورد	۷	Buy the farm	فوت کردن، مردن
۱۵	Assume	فرض کردن	۸	Customary	عادی، مرسوم
۱۶	Mortgage	رهن، گرو گذاشتن	۹	Purity	پاکی، پاکدامنی، طهارت
۱۷	Life Expectancy	عمر متوسط، متوسط عمر	۱۰	Afford	از عهده بر آمدن، استطاعت کردن
۱۸	realize	درک کردن	۱۱	Bridal	متعلق به عروس
۱۹	Fulfill	انجام دادن، برآورده کردن	۱۲	Fabric	پارچه، قماش، بافت
۲۰	Bill	صورت حساب	۱۳	Worn by	اسم مفعول wear
۲۱	Figure out	کشف کردن، حل کردن	۱۴	Progresses	پیشرفت کردن

۱۵	Veil	نقاب چهره، حجاب	۴۹	Era	عهد، عصر، عصر تاریخی
۱۶	Modesty	عفت	۵۰	Oneness	یگانگی، وحدت
۱۷	Secrecy	پوشیدگی، راز داری	۵۱	Engagement	نامزدی
۱۸	Decoration	زینت کردن، آرایش کردن	۵۲	Decorative	زینتی، دکوری
۱۹	Placed	فضا، مکان	۵۳	Bond	تضمین کردن
۲۰	Eternal union	پیوندی جاودانه	۵۴	Confetti	نقل و کاغذ تزئیناتی
۲۱	Engraved	حکاکی شده، کنده کاری شده	۵۵	Almonds	بادام
۲۲	Bloom	شکوفه کردن	۵۶	Fertility	حاصلخیزی
۲۳	Bouquets	دسته گل	۵۷	Duck	اردک، مرغابی
۲۴	Everlasting	همیشگی، جاودانه	۵۸	Geese	غازها جمع کلمه (goose)
۲۵	Newlyweds	زن و مرد تازه ازدواج کرده	۵۹	Kimono	جامه ژاپنی
۲۶	Household	خانوار	۶۰	Headpiece	کلاه خود، کلاه ایمنی
۲۷	Show off	جلوه دادن، خودنمایی کردن	۶۱	Customize	معتاد کردن
۲۸	Internationalization	بین المللی کردن	۶۲	Custom	عادت
۲۹	Boundaries	مرز، سرحد	۶۳	Customary	مرسوم، عادی
۳۰	Incorporated	شکل گرفتن، متحد کردن	۶۴	Pure	پاک
۳۱	memorable	حائز اهمیت، جالب، به یاد آوردنی	۶۵	Purify	پاک کردن
۳۲	Vein	رگ	۶۶	purity	پاکی
۳۳	Bouquet	دسته گل		Unit ۵ chapter ۲ p۷۵	That unique Japanese
۳۴	Encounter	مواجه شدن، رویارو شدن	۱	Unique	بی همتا، یگانه
۳۵	Bump into	به طور ناگهانی مواجه شدن	۲	Learn	آگاهی یافتن
۳۶	Printed	پرینت شده	۳	Media	رسانه
۳۷	Conducted	اسم: رفتار، فعل: هدایت کردن	۴	Interpretation	تفسیر، ترجمه
۳۸	Everlasting	همیشگی، جاودانه	۵	For one thing	اولا، یکی این که
۳۹	Ultimate	نهایی، غایی	۶	Officially	رسمی
۴۰	Eternal	هییشگی، جاودانه	۷	At all	اصلا، ابدا
۴۱	Unending	بی پایان، جاودانه	۸	Fall	پاییز
۴۲	Shyness	کمرویی	۹	As a result	در نتیجه
۴۳	Reserve	رزرو کردن، رازدار بودن	۱۰	Fancy	تجملی، خیالی
۴۴	Revive	تجدید حیات، جان تازه دادن	۱۱	Sell out	یکجا فروختن
۴۵	Cleanliness	پاکیزگی، نظافت	۱۲	Associate	پیوند شدن، پیوند یافتن
۴۶	Spotlessness	بی لکه بودن، بی لکه گی	۱۳	Romance	عاشقانه
۴۷	Awareness	آگاهی، هشیاری	۱۴	Roast	برشته کردن
۴۸	Conceal	نپهان کردن، پنهان کردن	۱۵	Bake	پختن

۱۶	Ham	ژامبون مرغ	۵۰	Prohibited	ممنوع شده
۱۷	Teriyaki	گوشت بریان شده ژاپنی	۵۱	Perform	انجام دادن، اجرا کردن
۱۸	stuffed	پر شده، سیر شده	۵۲	Addition	افزایش، جمع (زدن)
۱۹	Wonton	نوعی غذای چینی	۵۳	Corridor	راهرو، دالان، راه، مسیر
۲۰	Strawberries	توت فرنگی	۵۴	Row	ردیف
۲۱	Compete	رقابت کردن با	۵۵	Payment	پرداخت
۲۲	Distinctive	ممتاز، متمایز	۵۶	Calculation	حساب، محاسبه
۲۳	Versions	نسخه، نمونه، گونه	۵۷	Irate	خشمناک، خشمگین
۲۴	Dramatically	به طور چشمگیر	۵۸	Work out	ورزش کردن، تمرین کردن
۲۵	Immediate	بی درنگ	۵۹	Furniture	اسباب و وسایل خانه
۲۶	Appreciation	قدردانی کردن	۶۰	Attempt	کوشش کردن
۲۷	root	پایه، اصل، اساس	۶۱	Homophone	هم آوا، هم صدا
۲۸	Interpret	تفسیر کردن، ترجمه کردن	۶۲	Import	وارد کردن
۲۹	Make up	ترکیب کردن، ساختن	۶۳	Happen to...	به طور تصادفی...
۳۰	Centuries	صده، قرن	۶۴	dessert	دسر غذا
۳۱	Institution	نهاد، موسسه	۶۵	desert	بیابان
۳۲	Parliamentary	پارلمانی، مجلسی	۶۶	Make sense	منطقی و مدلل بودن
۳۳	Corporation	شرکت، (دارای شخصیت حقوقی)	۶۷	Immediate	بی واسطه، اعضای خانواده
۳۴	Adopting	اقتباس شده، اخذ شده	۶۸	Broadcast	پخش کردن، منتشر شدن
۳۵	Slightly	کمی، اندکی		Unit ۹	Is an only child a lonely child?
۳۶	Elected	انتخاب شده	۱	Nuclear family	خانواده دو فرزنده بهمراه پدر مادر
۳۷	Head office	اداره مرکزی، دفتر مرکزی	۲	Childless	بی بچه، بی اولاد
۳۸	Cutting edge	جدید، تحول آفرین	۳	Extended family	خانواده گسترده
۳۹	Whale	وال، نهنگ	۴	Spread	گسترش یافتن، پخش کردن
۴۰	Adds	جمع کردن، جمع زدن	۵	Capable	توانایی انجام کاری، لیاقت
۴۱	Adze	تیشه نجاری	۶	Interact	تعامل داشتن، کنش
۴۲	Isle	جزیره کوچک	۷	Dilemma	تنگنا، دشواری، مضيقه
۴۳	Aisle	راهرو	۸	Namely	یعنی، مثلاً
۴۴	Overdue	منقضی شدن، سررسیدن موعد	۹	Whether	خواه، چه
۴۵	Overdo	بیش از حد انجام دادن	۱۰	Demanding	سخت، طاقت فرسا
۴۶	Band	گروه موسیقی	۱۱	Keen	تیز، زیرک، باهوش
۴۷	Banned	ممنوع، قدغن	۱۲	Pros and cons	موافق و مخالف
۴۸	Sore	دردناک	۱۳	With regard to	در ارتباط با، مربوط به
۴۹	Soar	بالا رفتن، اوج گرفتن	۱۴	Stigma	ننگ، شرم

۱۵	Spoil	لوس شدن	۴۹	Overpower	غلبه کردن، چیره شدن
۱۶	Siblings	برادر یا خواهر	۵۰	Beat	غلبه کردن، پیروز شدن، تپش، ضربه
۱۷	Negotiate	مذاکره کردن، گفتگو کردن	۵۱	Family planning	تنظیم خانواده
۱۸	Give-and-take	داد و ستد	۵۲	Self-worth	خودبین مغرور
۱۹	Despite	با این که، با این وجود	۵۳	Self-esteem	خودبین مغرور
۲۰	Significantly	عمده، مهم، پرمعنی	۵۴	Selfishness	خودبین مغرور
۲۱	Replacement	تعویض جایگزینی	۵۵	Veteran	کهنه کار، کار آزموده
۲۲	Trend	روند، تمایل، مسیر حرکت	۵۶	Disgrace	رسوایی، آبروریزی
۲۳	Decline	کاهش	۵۷	Attach	نسبت دادن، ضمیمه کردن
۲۴	Elderly	مسن، سالخورده	۵۸	Monster	هیولا
۲۵	Overwhelming	سخت، طاقت فرسا	۵۹	Terribly	به طور مخوف، ترسناکانه
۲۶	Electing	برگزیدن، انتخاب کردن	۶۰	Compound	ترکیب کردن
۲۷	Burden	بار مسولیت، وزن، گنجایش	۶۱	Birthrate	زاد و ولد، موالید
۲۸	Prime	مهم ترین، نخستین	۶۲	Maternity leave	مرخصی زایمان
۲۹	Consideration	ملاحظه، رسیدگی، مراعات	۶۳	Companion	همراهی کردن، معاشرت کردن
۳۰	Pregnancy	بارداری	۶۴	Spouse	همسر، زوجه
۳۱	Be exceedingly	بیش از حد	۶۵	Family tree	شجره نامه
۳۲	Fertility	حاصلخیزی، باروری		Unit ۱۰ chapter ۱	Homeschooling-A...
۳۳	Advocate	مدافع، طرفدار	۱	Survey	بررسی کردن، ارزیابی
۳۴	Potential	پتانسیل، عامل بالقوه	۲	Needn't	لازم نیست
۳۵	Arising	ناشی شدن از، برخاسته از	۳	Strict	سخت، شدید، دقیق
۳۶	Favoritism	طرفداری، پارتنی بازی	۴	Discipline	نظم، انضباط
۳۷	Sibling	برادر یا خواهر	۵	Rely on	تکیه کردن، استناد کردن به
۳۸	Jealousy	حسادت	۶	Heavily	سخت
۳۹	Self-esteem	خودبینی، غرور	۷	Superior	ممتاز، مافوق
۴۰	Independence	آزادی، استقلال	۸	Sufficient	کافی
۴۱	Circumstances	شرایط	۹	Wealthier	توانا، ثروتمند، پولدار
۴۲	Affecting	اثر، نتیجه	۱۰	Distract	گیج کردن، سردرگم کردن
۴۳	Cooperation	همکاری، تعاون	۱۱	Drawback	بی فایده‌گی، معایب
۴۴	Mutual assistance	همکاری، تعاون	۱۲	Relatively	نسبتاً، به نسبت
۴۵	Compromise	تراضی، مصالحه، سازش	۱۳	Phenomenon	پدیده، عارضه
۴۶	Insist	اصرار کردن، پافشاری کردن	۱۴	Compulsory	اجباری، قهری
۴۷	Overwhelm	غوطه ور شدن، در هم شکستن	۱۵	Affluent	ثروتمند، توانگر
۴۸	Draw out	بیرون کشیدن از	۱۶	Tutors	معلم خصوصی

۱۷	Alternative	دیگر، نوع دیگر	۵۲	Assert	حمایت کردن
۱۸	Trend	روش، مسیر	۵۳	Though once	به هر حال، با این وجود
۱۹	Radical	اصولی، اساسی	۵۴	Resort	ملجاء
۲۰	Widely	وسیع، نامحدود	۵۵	Foundation	فنداسیون، آغاز به کار، شروع
۲۱	At one time	در گذشته	۵۶	Funding	سرمایه، وجه، پول
۲۲	Stigma	لکه ننگ	۵۷	Violence	خشونت، غصب
۲۳	Behavioral	رفتاری	۵۸	Monitor	نظارت کردن
۲۴	Dissatisfaction	ناراضایتی	۵۹	Promote	ترویج دادن، تبلیغ کردن
۲۵	Lack of sth=shortage	کمبود	۶۰	Occupation	شغل، پیشه
۲۶	Pupil	شاگرد، دانش آموز	۶۱	Expose	نمایش دادن
۲۷	Deprive	محروم، بی بهره	۶۲	Superior	ممتاز، فوق العاده
۲۸	Escalating	بالا رفتن، زیاد شدن	۶۳	Cite	ذکر کردن، گفتن
۲۹	Motivate	تحریک کردن، برانگیختن	۶۴	Disabilities	ناتوانی
۳۰	Secure	امن، بی خطر	۶۵	Dedicate	اختصاص دادن
۳۱	Reportedly	طبق گزارش، ظاهراً	۶۶	Veteran	کارآزموده
۳۲	Campus	محوطه کالج	۶۷	Reckless	بی ملاحظه، بی اعتنا
۳۳	Alongside	در کنار، پهلو به پهلو	۶۸	Supervisor	سرپرست، ناظر
۳۴	Conventionally (adv)	مرسوم	۶۹	Archeologist	باستان شناس
۳۵	Psychologist	روانشناسان	۷۰	Undertake	متعهد شدن
۳۶	Lack	فقدان، نبود	۷۱	Initial	آغازی، ابتدایی
۳۷	Setting	محیط، زمینه	۷۲	Conventional (adj)	مرسوم
۳۸	Pace	گام، قدم	۷۳	Convene (v)	گرد آمدن، جلسه گذاشتن
۳۹	In Contrast	در برابر، در تقابل	۷۴	Circumvent (v)	دور زدن (قانون)، با نیرنگ پیش افتادن
۴۰	Critic	نقد کننده	۷۵	Intervene(v)	مداخله کردن، میانجی گری
۴۱	Miss out on	از دست دادن چیزی (فرصت)	۷۶	Inventory (n)	فهرست اموال، موجودی کالا
۴۲	Interaction	فعل و انفعال	۷۷	Revenue (n)	درآمد
۴۳	Peer	همتا، جفت	۷۸	Prevention (n)	پیشگیری
۴۴	Competent	لایق، شایسته	۷۹	Release	منتشر کردن، آزاد کردن
۴۵	Disgruntled	ناراضی		Unite ۱۱ chapter ۱	How good is your...
۴۶	Restore	برگرداندن (شرایط)	۱	Anniversary	سالگرد (ازدواج، سوگواری)
۴۷	Extracurricular	فعالیت های فوق برنامه ای	۲	Bill	صورت حساب
۴۸	Ballet	رقص ورزشی و هنری	۳	Via	به وسیله
۴۹	Compromise	رضایت دادن، موافقت کردن	۴	Stimuli	محرک
۵۰	Whatever	هرچه، هر قدر	۵	Cerebral cortex	قشر مخ
۵۱	Convention (n)	انجمن، همایش	۶	Alzheimer's	آلزایمر

۷	Neurogenesis	رشد بافت های عصبی	۴۰	Ginseng	درخت جنسه یا جنسان
۸	Trace	کشف کردن، پی بردن به	۴۱	Ginkgo	ژنگو
۹	Path	مسیر	۴۲	Retention	نگهداری، حفظ
۱۰	Trail	دنباله	۴۳	Recollect	به خاطر آوردن
۱۱	Evidence	مدرک، گواهی	۴۴	Doubt	شک، تردید
۱۲	Through=via	از طریق	۴۵	Sufficient	کافی
۱۳	By way of	به وسیله‌ی، از راه	۴۶	Remarkable	قابل توجه
۱۴	By means of	به وسیله	۴۷	Fade	ناپدید شدن
۱۵	Extraordinary	شگفت آور، غیر عادی	۴۸	Authoritative	مقتدر، توانا
۱۶	At time=some time	برخی مواقع	۴۹	Clear-cut	روشن، صریح
۱۷	Recalling	به یاد آوردن	۵۰	Innocuous	بی ضرر
۱۸	Hippocampus	ساختمان عصبی خمیده مغز	۵۱	Remarkable	قابل توجه
۱۹	Retrieve	بازیافتن	۵۲	Extravagant	غیر معقول، عجیب و غریب
۲۰	Partially	بخشی، قسمتی	۵۳	Dismantle	بی مصرف کردن
۲۱	Neuron	بافت های عصبی	۵۴	Confined	محدود شده
۲۲	Transform	تغییر شکل دادن	۵۵	Reap	درو کردن، جمع کردن
۲۳	Temporarily	به طور موقت	۵۶	Bring back	برگرداندن، پس آوردن
۲۴	Fade away	ناپدید شدن	۵۷	Fulfill	انجام دادن
۲۵	Transferred	انتقال یافته	۵۸	Recapture	پس گرفتن
۲۶	Section	بخش، قسمت، قطعه	۵۹	Ultimate	نهایی
۲۷	Frontal lobe	قسمت جلوی مغز	۶۰	Unmatchable	ناسازگار
۲۸	Neuroscientist	متخصص مغزو اعصاب	۶۱	Distinguish	تشخیص دادن تفاوت ها
۲۹	Age-related	مربوط به کهولت سن	۶۲	Transform	تغییر شکل دادن
۳۰	Total	کل، جمع، همه	۶۳	Alter	تغییر دادن
۳۱	Finite	محدود	۶۴	Priority	اولویت، حق تقدم
۳۲	Use up	زیاد خسته کردن	۶۵	Breadwinner	نان آور، کفیل
۳۳	Throughout	سراسر، بکلی، تماما	۶۶	Light up	روشن کرد
۳۴	Lifetime	مدت زندگی	۶۷	Analogy	همانندی، شباهت
۳۵	Conducted	به عمل آمده	۶۸	Infinite	نامحدود
۳۶	Radical	ریشه، قسمت اصلی	۶۹	Shot	شلیک کردن
۳۷	Definitive	قطعی	۷۰	Bene	Good, well
۳۸	Proof	مدرک، گواه	۷۱	De	Not, away, down
۳۹	Herb	گیاه، بوته	۷۲	Magna	Great, large

۷۳	Pro	Forward جلو، پیش	۲۰	Target	هدف
۷۴	Sign	To mark, to mean	۲۱	Linked	پیوند یافته
۷۵	Spec	look	۲۲	Retrieval	بازیابی
۷۶	Sub/suf	Under, beneath	۲۳	Visualize	تجسم کردن
۷۷	Sufficient (adj)	کافی	۲۴	Accelerate	تند کردن، شتاب دادن
۷۸	Beneficial (adj)	مفید	۲۵	Tremendous	ترسناک، مهیب
۷۹	Deficit (n)	کمبود، کسری	۲۶	Race car	ماشین مسابقه
۸۰	Defy (v)	به مبارزه طلبیدن	۲۷	Dinosaur	دایناسور
۸۱	Insignificant (adj)	ناچیز	۲۸	Depositing	ذخیره کردن، امانت گذاشتن
۸۲	Magnificent (adj)	باشکوه، مجلل	۲۹	Landmark	نشان اختصاصی، راهنما
۸۳	Magnify (v)	بزرگ کردن	۳۰	Race car	ماشین مسابقه
۸۴	Proficient (adj)	ماهر	۳۱	Divide	تقسیم کردن، جدا کردن
۸۵	Specify (v)	مشخص کردن، معین کردن	۳۲	Recollect	به خاطر آوردن
۸۶	Specification (n)	خصوصیات	۳۳	Divisible	قابل تقسیم، بخش پذیر
۸۷	sculpture	مجسمه سازی	۳۴	Tremendous	مهیب ترسناک
	Unite ۱۱ chapter ۲	Words to Remember	۳۵	Absorb	جذب کردن
۱	Lyrics	متن موسیقی، اشعار غنائی	۳۶	Passively	از روی بی ارادگی
۲	Outline	مختصر یا خلاصه	۳۷	Trick	حیله، نیرنگ
۳	Mnemonic	هر چه به حفظ کمک کند	۳۸	Demonstrate	نشان دادن، اثبات کردن
۴	Represent	فهماندن، نمایاندن	۳۹	Clockwork	منظم و خودکار
۵	Tremendous	ترسناک، مهیب، عظیم	۴۰	Pairing	جفت کردن
۶	Loci	نشانه گذاری برای یادآوری	۴۱	Idioms	اصطلاح، لهجه
۷	Visualize	تجسم کردن، تصور کردن	۴۲	Retention	نگهداری، ابقاء
۸	Differ	اختلاف داشتن، تفاوت داشتن	۴۳	Deficit	کمبود
۹	At some point	در یک نقطه مشخص	۴۴	Accelerating	شتاب دادن
۱۰	Chip	تراشه، ریزه (در کامپیوتر)	۴۵	Memorization	حفظ کردن، به یاد سپاری
۱۱	Containing	شامل، متضمن	۴۶	Panther	پلنگ، یوزپلنگ
۱۲	Feasible	امکان پذیر، عملی	۴۷	Beneficial	مفید، سودمند
۱۳	Unlock	باز کردن گشودن	۴۸	Long-term	دراز مدت
۱۴	Simply	به بیان ساده، بسادگی	۴۹	Ceiling	سقف
۱۵	Otherwise	در غیر این صورت	۵۰	Debt	بدهی
۱۶	Loci	نشانه گذاری برای یادآوری	۵۱	Rhyme	قافیه
۱۷	Landmark	نشان اختصاصی، راهنما	۵۲	Consonant	حروف بی صدا، هماهنگ
۱۸	Enhance	افزودن، بالا بردن	۵۳	Vowels	حروف صدا دار
۱۹	vivid	واضح، روشن	۵۴	Tripped	پشت پا خوردن

Expanding Tactics for listening		۲	Trait	ویژگی
Unit ۱		Small Talk		۳
۱	Accounting	حسابداری	۴	Voting
۲	Marketing	بازار یابی	۵	Landlady
۳	On sale	فروشی	۶	Homemade
۴	Literature Courses	دوره ادبیات	۷	Thoughtful
۵	Challenging	رقابت کردن، به مبارزه طلبیدن	۸	Practically
۶	Stick (past=stuck)	گیر افتادن	۹	Assignment
۷	Ahead	جلو پیش	۱۰	Torn
Unit ۲		Successful Businesses		۱۱
۱	Satisfied	خشنود، راضی	۱۲	Recognize
۲	Campus	فضای باز	۱۳	Conservative
۳	Convenient	مناسب، راحت	۱۴	Exhausted
۴	Belong	تعلق داشتن، عضو بودن	۱۵	chubby
۵	Staff	کارمندان	۱۶	Enthusiastic
۶	Rude	خشن، گستاخ	۱۷	Cheerleader
۷	Sofa	مبل، نیمکت	۱۸	Bothering
۸	Glamorous	فریبنده	۱۹	Break up
۹	Talented	استعداد	۲۰	Fiancé
۱۰	Client	مشتری	۲۱	Athletic
Unit ۴		Apologies and Excuses		۲۲
۱	Scratch	خراش	۲۳	stock
۲	Dent	فرورفتگی، گودی	Unit ۷	
۳	Occasion	مناسبت	۱	Housing
۴	Loaned	قرض	۲	High-rise
۵	Supposed	گمان کردن، فرض کردن	۳	Run
۶	Rush-hour	ساعت شلوغی و اوج ترافیک	۴	convenient
۷	Trip	لغزش، پیچ خوردن پا	۵	Fairly
۸	Sprained	پیچ خوردن	۶	Stuff
۹	Weird	مرموزانه، غیر عادی	۷	Throw out
۱۰	Direction	مسیر	۸	Fall apart
۱۱	Tow Truck	یدک کش	۹	Carpet
Unit ۵		Character traits		۱۰
۱	Character	منش، سیرت	۱۱	Advantage

فریاد، نعره

رای، رای دادن

زن صاحب خانه

خانگی

بافکر، با ملاحظه

در واقع، تقریبا

ماموریت

پاره شده

قطعا

تشخیص دادن

محافظه کار

خسته کننده

چاق، چاقالو، خپل

مشتاق، علاقه مند

سردسته تشویق کنندگان

در دردسر انداختن، زحمت دادن

بهم زدن رابطه عاشقانه یا زندگی با کسی

نامزد (مرد)

ورزشی

ثروتمند، غنی

سهام، موجودی

Housing

مسکن

ساختمان چند طبقه

اداره کردن

مناسب

نسبتا، به طور میانه

جنس، کالا

بیرون انداختن

پاشیده شدن، جدا شدن

فرش

لکه

مزیت

۱۲	Suburb	حومه شهر	۲۴	Quite	کاملا
۱۳	Forever	تا ابد	۲۵	Penny	واحد پول انگلیس
۱۴	Step	قدم زدن	۲۶	Arena	زمین مسابقه، میدان مسابقه
۱۵	Coat of pain	رنگ اندود کردن	۲۷	Toilet	توالت
۱۶	Appliance	دستگاه، وسیله، تجهیزات	۲۸	Flush	شستن
۱۷	Stove	بخاری	۲۹	Mummified	مومیایی شده
۱۸	dishwasher	ماشین ظرفشویی	۳۰	Pharaoh	فرعون
۱۹	Ceiling	سقف	۳۱	Elaborate	استادانه، پرکارانه
۲۰	Keep a pet	نگهداری حیوانات خانگی	۳۲	Sue	تقاضا کردن
۲۱	Tiny	کوچک	۳۳	Argue	مشاجره کردن، بحث کردن
۲۲	maintenance	نگهداری	۳۴	Higher-paying	افزایش حقوق
	Unit ۸	Can You Believe It?	۳۵	End up	پایان
۱	Pull out	کشیدن، ترک کردن	۳۶	Drift	جسم شناور، توده
۲	Arrest	دستگیر کردن، توقیف کردن	۳۷	Float	جسم شناور
۳	Property	مال، دارایی	۳۸	Asleep	خوابیده
۴	Overweight	وزن زیاد، چاق	۳۹	Apparently	ظاهرا
۵	Pot-bellied	شکم گنده	۴۰	Rescue	نجات، رهایی
۶	Charge	متهم کردن	۴۱	Adopt	قبول کردن، اتخاذ کردن
۷	Neglect	بی توجهی، غفلت، قصور	۴۲	Attend	حضور داشتن در، شرکت کردن
۸	Call-forwarding	دایورت کردن شماره به شماره دیگر	۴۳	Figure out	کشف کردن، فهمیدن
۹	Plumber	لوله کش	۴۴	Dozen	دوازده عدد، دوجین
۱۰	pig	خوک، گراز	۴۵	Claim	ادعای خسارت کردن
۱۲	License	مجوز، گواهینامه	۴۶	Illegal	غیر قانونی، نامشروع
۱۳	Robbery	دزدی، سرقت	۴۷	Scam	کلاهبرداری
۱۴	Stick shift	دنده دستی	۴۸	Reach	رسیدن، نائل شدن
۱۵	Checkpoint	محل بازرسی وسایل نقلیه	۴۹	Destination	مقصد
۱۶	Snake		۵۰	Newborn	نوزاد تازه متولد شده
۱۷	Lizard	مامولک، سوسمار	۵۱	blue	افسردگی
۱۸	Reptile	حیوان خزنده	۵۲	Parrot	طوطی
۱۹	Smuggle	قاچاق کردن	۵۳	Imitate	تقلید کردن
۲۰	Pharmacy	داروخانه	۵۴	fine	جریمه
۲۱	Hilarious	مضحک، خنده دار	۵۵	Convenience	راحتی، (در جمع) تسهیلات
۲۲	Tuition	شهریه	۵۶	Getaway	فرار، گریز
۲۳	Columnist	مقاله نویسنده	۵۷	Come up with sth	فکر خوبی به ذهن رسیدن

۵۸	Apparently	ظاهرًا	۲۲	Finale	بخش نهایی
۵۹	Eternity	جاودانگی، ابدیت	۲۳	Antique	باستانی، کهنه، عتیقه
۶۰	Preserve	نگهداری، حفظ کردن	۲۴	junk	جنس بنجل، کهنه
۶۱	Go off	فاسد شدن، خراب شدن		Unit ۱۲	Urban life
۶۲	Couch	نیمکت، تخت	۱	Urban	مدنی، شهری
	Unit ۹	Friendship	۲	Desert	بیابان، دشت
۱	Stockbroker	دلال، کارگزار بورس	۳	City Council	شورا شهر
۲	No matter	اهمیتی ندارد، چیزی نیست	۴	Train	تعلیم دادن، تمرین
۳	Pick up	دنبال کسی رفتن و با ماشین سوار کردن	۵	Inexperienced	بی تجربه، خام، ناپخته
۴	Sort	نوع، گونه	۶	Gone out of business	از کار تجاری خارج شدن
۵	Diet	رژیم غذایی	۷	Barrier	مانع، حصار
۶	autograph	دستخط یا امضا خود شخص	۸	Fence	نرده، حصار
	Unit ۱۰	Television	۹	Tore down	پاره پاره شدن، در هم دریدن
۱	Episode	قسمت (اول، دوم و...)	۱۰	Redevelop	دوباره پیشرفته کردن
۲	Miserable	بدبخت، تیره بخت، تیره روز	۱۱	Industry	صنعت
۳	Hurricane	طوفان، تند باد	۱۲	Scenery	منظره، چشم انداز
۴	Major	عمده، عظیم، اصلی	۱۳	Browsing	گشت و گذار، جستجو
۵	Defense	دفاع، پدافند			
۶	Impression	خیال، احساس			
۷	Panel	هیئت، گروه			
۸	Expert	کارشناس، متخصص			
۹	Development	توسعه، پیشرفت			
۱۰	Innovations	نوآوری، ابداع			
۱۱	Breakthrough	پیشرفت یا کشف مهم			
۱۲	Trend	وقایع، رویداد			
۱۳	Sitcom	سریال کمدی			
۱۴	Cruise	سفر دریایی			
۱۵	Staff	اعضا، کارکنان			
۱۶	Go on Strike	اعتصاب کردن			
۱۷	Tuned	تنظیم کردن، هماهنگ کردن			
۱۸	Trivia	چیزهای بی اهمیت و ناچیز			
۱۹	Contestant	حریف، رقیب			
۲۰	Recipe	دستور العمل			
۲۱	Frustrating	بیهوده، ناامید کننده			